



حسین الهی نژاد

## چگونگی غیبت امام زمان (عج)

کوچه و بازار او را ملاقات کرده و با او نشست و برخاست و معاشرت می‌کنند و حضرت با مردم هم صحبت و همدم می‌شود، ولی مردم شناخت و معرفت به اینکه، این شخص امام زمان (عج) است، ندارند. حکمت الهی چنین اقتضاء کرده که حضرت به وسیله ناشناس ماندن از خطرات احتمالی ستمگران و ظالمان در آمان بماند تا ذخیره‌ای برای روز مبادا باشد.

روایاتی بر این نظریه دلالت می‌کنند مثل:

۱- امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سِتْرًا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِتْرَةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَسِتْرَةٌ مِنْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

### ناپیدا یا ناشناس

یکی از موضوعاتی که پیرامون وجود حضرت مهدی (عج) مطرح است، مسأله چگونگی غیبت آن حضرت می‌باشد؛ بدین معنا که آیا دیده نشدن آن حضرت همان ناپیدایی و غیبت جسمی است، یا به معنای ناشناسی و غیبت معرفتی می‌باشد؟

### انواع غیبت

#### الف: غیبت معرفتی:

غیبت معرفتی، همان غیبت شخصیتی و حقوقی است. در این فرض، امام زمان (عج) از دید معرفتی ما مخفی است؛ یعنی آن حضرت به طور عادی زندگی می‌کند و مردم

كَمَا فَعَلَ يُوسُفُ أَنْ يَمْشِيَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ  
بُسْطَهُمْ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ لَهُ؛  
چگونه این امت انکار می کند که  
خداوند عز و جل با حجت خویش  
همان کند که با یوسف کرد که امام آنان  
در بازارهایشان راه برود و بر  
فرش هایشان قدم بگذارد، اما او را  
نشناسند تا آن زمان که خداوند به  
ظهور او اجازه فرماید.»

#### ب: غیبت جسمانی

غیبت جسمانی همان غیبت  
شخصی و حقیقی است. طبق این  
نظریه، امام زمان علیه السلام از دید ظاهری  
مردم مخفی و ناپیدا می باشد. غیبت  
جسمانی به دو صورت قابل تصور  
است:

#### ۱- غیبت جسمانی به دلیل نامرئی

##### بودن امام زمان

به این معنا که حضرت روی  
همین زمین هستند و روی همین  
زمین زندگی می کنند و به جاهای  
مختلف سیر و سفر کرده و به  
احوالات و رفتار شیعیان نظارت  
می کنند و آن ها را مورد عنایت و  
لطف خود قرار می دهند، ولی هیچ  
کس وجود حضرت را با چشمان

سُنَّةَ مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةَ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَمَّا  
سُنَّةَ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ وَ  
أَمَّا سُنَّةَ مِنْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قِيَالٌ فِيهِ مَا قَبِلَ فِي  
عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَّا سُنَّةَ مِنْ يُوسُفَ فَالسُّتْرُ  
يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَابًا يَرَوْنَهُ  
وَلَا يَغْرِفُونَهُ وَأَمَّا سُنَّةَ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَهْتَدِي  
يُهْدَاهُ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ؛<sup>۱</sup> در صاحب این امر  
(حضرت مهدی علیه السلام) سنت هایی از  
پیامبران علیهم السلام است: سنتی از موسی بن  
عمران و سنتی از عیسی علیه السلام و سنتی از  
یوسف علیه السلام و سنتی از محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ اما  
سنتی که از موسی علیه السلام دارد، آن است  
که خائف و منتظر فرصت نشسته  
است.

اما سنتی که از عیسی علیه السلام دارد آن  
است که در باره اش بگویند آنچه را که  
در باره عیسی علیه السلام می گفتند.

اما سنتی که از یوسف علیه السلام دارد،  
مستور بودن است. خداوند بین او و  
مردم حجابی قرار می دهد، به طوری  
که او را می بینند ولی نمی شناسند.  
و اما سنتی که از محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارد،  
آن است که هدایت شده به هدایت او  
و سیر کننده به سیرت او است.»

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: «فَمَا  
تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِحُجَّتِهِ

این نوع اختفاء که همان ناپیدائیست، با اختفاء به صورت ناشناس بودن، فرق دارد، زیرا اختفاء به صورت ناشناسی به طور عادی صورت می‌گیرد و هیچ‌گونه مؤونه‌ای در بر ندارد و حضرت به صورت ناشناس رفت و آمد می‌کند و مردم ایشان را می‌بینند ولی نمی‌شناسند، اما استتار به شکل نامرئی بودن، نیاز به اعجاز دارد، تا حضرت در حین حضور، ظهور نداشته باشد. این جاست که خداوند متعال برای آخرین وصی نبی اکرم صلی الله علیه و آله و آخرین ذخیره الهی، اعجاز را عاملی برای حفظ و صیانت ایشان قرار داده تا بشریت از فیض وجود او بی‌بهره نباشد و هیچ وقت زمین از حجت الهی خالی نماند. که امام صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَنَسَّخَتْ<sup>۴</sup>؛ اگر زمین بدون امام بماند، حتماً فرو خواهد ریخت».

شاید در اینجا سؤالی به ذهن بیاید که اگر وجود حضرت مهدی جسم نامرئی است، پس ملاقات و دیدار بزرگان با ایشان (که در کتاب‌های معتبر نقل شده است)<sup>۵</sup>

ظاهری نمی‌بیند، چنانچه حضرت خضر علیه السلام چنین است.

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ الْخَضِرَ علیه السلام شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ وَإِنَّهُ لَيَأْتِينَا فَيَسَلُّمُ عَلَيْنَا فَنَسْمَعُ صَوْتَهُ وَلَا نَرِي شَخْصَهُ وَإِنَّهُ لَيَخْضُرُ حَيْثُ مَا ذُكِرَ فَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْكُمْ فَلْيَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَخْضُرُ الْمُوسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَفِضُ جَمِيعَ الْمَنَاسِكِ وَيَقِفُ بِعَرَفَةَ فَيُؤْمِنُ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيُؤْتِسُ اللَّهُ بِهِ وَحِشَةً قَائِمِينَ فِي غَيْبَتِهِ وَيَصِلُ بِهِ وَحَدَّثَهُ<sup>۳</sup>؛

خضر علیه السلام از آب حیات نوشید؛

از این جهت زنده ماند و تا نفخ صور نخواهد مرد، او به نزد ما می‌آید و سلام می‌دهد، ما صدای او را می‌شنویم، لیکن بدنش را نمی‌بینیم، و در هر جا که نامش ذکر شود حاضر است. پس هر که از شما او را یاد کند، باید به او سلام کند، و در هر سال به موسم حج حاضر گردد، جمیع اعمال را به جا می‌آورد و در عرفه می‌ایستد و دعای مؤمنین را تصدیق می‌کند، و به زودی خدای تعالی وحشت قائم ما را به سبب انس گرفتن به او زایل گرداند، و تنهایی او را به رفاقت وی مبدل می‌کند».

چطور توجیه می شود؟

در جواب باید گفت: نامرئی بودن حضرت به اراده و تصمیم خود ایشان بستگی دارد، در مواقعی که نیاز به ظهور و پیدایی است تا شیعیان خاص و محبین خود را مورد لطف و عنایت قرار دهد، ظهور پیدا کرده و مشکلات آن‌ها را برطرف می کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا طَوِيلَةٌ وَالْأُخْرَى قَصِيرَةٌ فَأَلَوْنِي يَعْزَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا خَاصَّةً مِنْ شِيعَتِهِ، وَالْأُخْرَى لَا يَعْزَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةً مَوَالِيَهُ فَمِنْ دِينِهِ؟» برای حضرت مهدی علیه السلام دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اول، جز شیعیان مخصوص، کسی از مکان آن حضرت با خبر نیست، و در غیبت دوم، جز دوستان مخصوص و موالیان حقیقی در دین، کسی به مکان او آگاه نیست.

مرحوم میرزای قمی صاحب قوانین نقل می کند که من با علامه بحرالعلوم به درس آقا باقر بهبهانی علیه السلام می رفتیم و با او درس‌ها را مباحثه می کردم و غالباً من درس‌ها را برای سید بحرالعلوم بیان می نمودم. من به

ایران آمدم و پس از مدتی در بین علما و دانشمندان شیعه، سید بحرالعلوم به عظمت و علم معرفی شد. من تعجب می کردم و با خود می گفتم او که این استعداد را نداشت، چطور به این عظمت رسید؟ تا اینکه موفق به زیارت نجف اشرف شدم، در آنجا سید بحرالعلوم را دیدم. در محضر او بحثی مطرح شد، دیدم جداً او دریای مواجی است که باید حقیقتاً او را بحرالعلوم نامید. روزی در خلوت از او سؤال کردم: آقا ما که با هم بودیم، آن وقت‌ها شما این مرتبه از استعداد و علم را نداشتید، چگونه به این مقام رسیدی؟ سید بحرالعلوم فرمود: جواب سؤال شما از اسرار است، به تو می گویم، اما از تو تقاضا دارم که تا من زنده‌ام به کسی نگوئی. من قبول کردم. ابتدا اجمالاً فرمود: چگونه این طور نباشد و حال آنکه حضرت ولی عصر علیه السلام مرا شبی در مسجد کوفه به سینه خود چسبانیده؟

گفتم: چگونه خدمت آن حضرت رسیدید؟  
فرمود: شبی به مسجد کوفه رفته بودم، دیدم آقایم حضرت ولی

عصر ع مشغول عبادت است. ایستادم و سلام کردم، جوابم را مرحمت فرمود و دستور داد که پیش بروم، من مقداری جلو رفتم ولی ادب کردم و زیاد جلو نرفتم. فرمود: جلوتر بیا. پس چند قدمی نزدیکتر رفتم. باز هم فرمود: جلوتر بیا. من نزدیک شدم تا آنکه آغوش مهر گشود و مرا در بغل گرفت و به سینه مبارکش چسباند. در اینجا آنچه خواست به این قلب و سینه سرازیر شود، سرازیر شد.<sup>۷</sup>

در موضوع پنهان بودن حضرت مهدی ع از دیدگان بشر با خواست و اراده خود او، روایات زیادی نقل شده است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- امام رضا ع فرمودند: «لَأَبْرِي جِسْمَهُ، وَلَا يَسْمَعُنِي بِاسْمِهِ!» [حضرت مهدی ع دیده نمی‌شود و به اسم نام برده نمی‌شود.]

۲- امام صادق ع فرمودند: «تَفَقَّدَ النَّاسُ لِإِسْمِهِمْ فَيَشْهَدُ الْقَوْمِيَّةَ فَتَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ!»؛ مردم امام خود را گم کنند و او در موسم حج حاضر باشد و آن‌ها را ببینند و مردم او را نمی‌بینند.»

ابو هاشم؛ داود بن قاسم جعفری می‌گوید: از امام علی النقی ع شنیدم که می‌گفت: «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي إِبْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ؟ فَقُلْتُ: وَلِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ: لِأَنَّكُمْ لِاتْرُونَ شَخْصَهُ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ فَقُلْتُ: فَكَيْفَ تَذْكُرُهُ؟ قَالَ: قَوْلُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع؛<sup>۸</sup>؛ جانشین من پس از من فرزندم حسن است. شما چگونه باشید در جانشین بعد از آن جانشین؟ عرض کردم قربانت چرا؟ فرمود: چون شخص او را نبینید و بردن نام او برای شما روا نباشد. عرض کردم: پس چگونه او را ذکر کنیم؟ فرمود: بگوئید حجت از آل محمد ع.»

۲- غیبت جسمانی به دلیل تصرف در چشمان مردم

در این فرض ناپیدائی حضرت مهدی ع به خاطر دخل و تصرف ایشان در چشمان مردم است.

در این مورد نیز نیاز به اعجاز و قدرت الهی است تا در حین حضور و ظهور امام زمان ع در میان مردم و حضور و ظهورشان در اجتماعات و تجمعات، دیده نشود.

در قرآن کریم و روایات به

قریش خاک را دیدند و گفتند: این چیزی است که به وسیله آن، محمد ﷺ ما را جادو کرده است.<sup>۱۳</sup>

ب - «وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَجَعَلْنَا تَبَنًا وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حُجَابًا مَّشْتُورًا»<sup>۱۴</sup>؛ «وقتی قرآن می خوانی، بین تو و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند پرده ای پوشیده قرار می دهیم.»

علاوه بر آنکه ظاهر آیه دلالت بر این دارد که خدای متعال، رسول اکرم ﷺ را به هنگام قرائت قرآن، از کفاری که قصد ایزای او را داشتند پنهان و مستور می داشت، در برخی از تفاسیر است که خداوند متعال پیغمبر ﷺ را در هنگام قرائت قرآن از ابوسفیان، نصر بن حارث، ابوجهل و حمالة الحطب می پوشاند. آنان از نزد آن حضرت می گذشتند ولی او را نمی دیدند.<sup>۱۵</sup>

ج - ابن هشام در «سیره نبوی» حکایتی از مستور ماندن وجود مقدس پیغمبر ﷺ از نظر ام جمیل (حمالة الحطب) نقل کرده و در پایان آن، این جمله را از پیامبر اکرم ﷺ نقل

مواردی اشاره شده است که با معجزه الهی، افرادی نمی توانستند یک موجود قابل دیدن را ببینند. مثل:

الف: «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ»<sup>۱۱</sup>؛ «مادر جلو و پشت سر آنان سدی قرار دادیم، و آنان را پوشاندیم؛ چندان که هیچ نمی بینند.»

مفسران از عبدالله بن مسعود نقل کرده اند که قریش کنار در خانه رسول اکرم ﷺ جمع شدند، آن حضرت از منزل بیرون آمد و بر سر آنان خاک پاشید و آنان حضرتش را نمی دیدند.<sup>۱۲</sup>

از ابن عباس نقل شده است که: قریش جمع شدند و گفتند: وقتی محمد داخل شد همگی با هم در برابرش می ایستیم. رسول اکرم ﷺ داخل گردید. در آن هنگام خدای متعال در جلو و پشت سر آن مردمان، سدی قرار داد که حضرت را ندیدند. آن حضرت نماز گزارد و به طرف آنان آمد، در حالی که بر روی سر آنان خاک می ریخت و آنان حضرت را نمی دیدند. وقتی که حضرت رفت،

می‌کند که:

«لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ بَيْرَهَا عَنِّي؛ خداوند دید او را از من گرفت [و مرا از او پنهان نمود]»<sup>۱۶</sup>.

در زندگی ائمه علیهم‌السلام نیز شواهد متعددی در این زمینه وجود دارد، مانند: غایب شدن امام زین العابدین علیه‌السلام از نظر مأموران عبدالملک بن مروان که علاوه بر علمای شیعه، علمای اهل سنت مثل «ابن حجر» نیز آن را روایت کرده‌اند.<sup>۱۷</sup>

در پایان این نوشتار اشاره به دو نکته حائز اهمیت است:

نکته اول: تا موقعی که مخفی شدن از طریق عادی و طبیعی ممکن باشد، معجزه سهمی در پنهان شدن حضرت مهدی علیه‌السلام ندارد، ولی با توجه به بعد زمانی قادر نیستیم مقتضیات مکانی و زمانی موجود در هر برخوردی را بشناسیم و بدانیم که آیا برای حضرت مهدی علیه‌السلام در آن شرایط امکان اختفاء به صورت طبیعی وجود داشته یا اینکه پنهان شدن اعجازی برای ایشان ضروری

بوده است.

به عنوان مثال برای مخفی شدن آن حضرت پس از دو بار رو در رویی با جعفر کذاب، هر دو حالت احتمال دارد و بستگی دارد به شرایطی که حضرت مهدی علیه‌السلام در آن زمان داشته است، اما در مورد شروع این برخورد، در هر حال نیازی به اعجازی بودن آن، وجود ندارد و ممکن است طبیعی و معمولی باشد. نکته دوم: معجزه یا در بیننده اثر می‌گذارد، یا در دیده شده. تصرف در بیننده به این است که او را از دیدن چیزی که در جلو اوست ناتوان کند و مکان را تهی از امام ببیند یا اینکه امام علیه‌السلام روبروی او باشد. پس اگر طبق مصلحتی و هدفی الهی، راه منحصر به این باشد که شخصی حضرت را ببیند و شخص دیگری نبیند، در این صورت کسی که می‌بیند، دیدنش عادی است و آنکس که نمی‌بیند، دیدگانش به واسطه معجزه در حجاب فرو رفته است. تصرف در حواس دیگر، همچون شنوایی و لامسه نیز همین گونه است

و گاهی فقط برخی از حواس از ادراک ناتوان می شوند.

تفاوت دو نظریه اساسی در مورد اعجاز الهی در این است که نظریه اول اعجاز را همیشگی و نسبت به همه کس در طول دوران غیبت کبری می داند، در نتیجه برای دیدار آن حضرت باید این حالت عمومی اعجاز استثناء بخورد، در صورتی که طبق نظریه دوم آنچه طبیعی و عادی است، آشکار بودن جسم و بدن حضرت می باشد و پنهان شدن جسم یک امر استثنائی می باشد و فقط هنگام منحصر شدن راه حفظ امام در این طریق از اختفا، روی می دهد.

و اما تصرف معجزه در دیده شده و چیزی که قابل دیدار است، واضحترین راهش این است که معجزه میان رسیدن صورت نوری (تصویر) صادر شده از جسم حضرت مهدی علیه السلام یا امواج صوتی او و غیر اینها از آنچه که حواس پنج گانه دریافت می کنند حائل شود و

نگذارد که به بیننده یا شنونده برسند. بدین ترتیب این شخص از ادراک واقعیتی که پیش روی او نهاده شده است عاجز می شود.<sup>۱۸</sup>

### پی نوشت ها:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ص ۲۰.
۲. کسافی، ج ۲، کتاب الحججه، حدیث ۴، ص ۱۳۴.
۳. کمال الدین و تمام النعمه، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ج ۲، ص ۶۱؛ منتخب الاثر، چاپ اول، ص ۳۲۵.
۴. غیبت نعمانی، ترجمه: جواد غفاری، نشر کتابخانه صدوق، چاپ اول، ص ۱۹۸.
۵. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۰۸.
۶. کسافی، ج ۲، کتاب الحججه، ح ۱۹، ص ۱۴۱.
۷. امام زمان علیه السلام و سید بحر العلوم، سید جعفر رفیعی، نشر یاران قائم، ص ۱۵۷.
۸. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، مؤسسه سیده المعصومه علیها السلام، چاپ اول، ص ۳۲۵.
۹. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۶، ح ۳۳.
۱۰. همان، ج ۲، ص ۵۳.
۱۱. ۹/ ۱۱.
۱۲. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۱۶.
۱۳. همان.
۱۴. بنی اسرائیل / ۴۵.
۱۵. مجمع البیان و روح المعانی و الدر المنثور، ذیل آیه ۴۵ سوره بنی اسرائیل.
۱۶. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۷۸.
۱۷. امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی، ج ۳، ص ۶۸.
۱۸. اقتباس از کتاب تاریخ غیبت کبری، سید محمدصدر.